فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال ششم، شماره بیست و یکم، بهار ۱۳۹۵
صفحات ۸۱ – ۱۰۹

رویکردهای مشترک سیاسی و فرهنگی آثار کلامی امامیه در دورهٔ ایلخانان

سیدابوالفضل رضوی[۱]
هدایت نادریان[۲]
محمد سپهری[۳]

چکیده

شیعیان امامی با بهره‌گیری از کارآمدی کارکردهای فرهنگـی و رویکـرد مسـالمت‌آمیـز خود در مواجهه با دیگر مذاهب و فرق، در فرهنگ سیاسـی عصـر ایلخانـان، جایگـاهی درخور توجه به دست آوردند. تسامح اعتقادی مغول‌ها و زوال مراکـز سیاسـی تنـدرو آن عصر نیز این زمینه را هموار کرد و این امکان را در اختیار پیـروان امامیـه قـرار داد کـه میراث فرهنگی و اعتقادی خود را غنا بخشند. در این میان، تلاش برای تقویت کـارکرد میراث کلامی خویش و به‌ویژه تدوین منابع کلامی به زبان فارسی، از جمله کارکردهای خاص شیعیان این عصر به شمار می‌رود. از این‌رو نوشتار حاضر با طرح این پرسش کـه «دگرگونی‌های سیاسی ـ اجتماعی عهد ایلخانان در تکوین منابع کلامی به زبان فارسی چه تأثیری داشت؟»، بر این باور است که تسامح اعتقادی، رونق زبـان و ادب فارسـی و اقبال عمومی شیعیان امامی در عهد ایلخانان به آثار کلامی فارسی، موجب شـده اسـت امامیه با مبادرت به تدوین منابع کلامی، برای تثبیت جایگاه خویش بکوشد.

واژگان کلیدی: ایلخانان، فرهنگ، شیعه امامیه، کارکرد، کلام.

۱. دانشیار تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران. Abolfazlrazavi@khu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی تهران. (نویسنده مسئول)h.naderyan@yahoo.com
۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی. Sepehran55@gmail.com
دریافت:۹۵/۰۱/۲۰؛ پذیرش:۹۵/۰۳/۲۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

مقدمه

در پی استیلای مغول و دگرگونی عمیق سیاسی ـ اجتماعی در ایران، شیعیان پا به عرصه مبارزه نرم و فرهنگی با عناصر بیگانه گذاردند و تا پایان کار حکومت ایلخانی فعالیت‌های پی‌گیر و کارساز خود را در این زمینه دنبال کردند. ارتباط بین آن روزگار هول‌انگیز با دیدگاه آرمانی شیعه در برپا کردن حکومت حق، شبیه دوران نبوی و علوی و همچنین از بین رفتن دو حکومت عباسی و خوارزمشاهی و برچیده شدن بساط فرقه رقیب ـ یعنی اسماعیلیان ـ و نابسامانی اوضاع ایران، فرصتی طلایی بود که سیاستمداران و اندیشمندان شیعی امامیه به دنبال نهایی کردن ایده خود در تأسیس حکومت شیعه‌مذهب مبتنی بر عدل باشند. تشیع در این دوره، تسلیم را کنار گذاشت و برای رسیدن به آرمان خود فعالیت سیاسی و اجتماعی آشکار، ولی همراه با تفکر خود را شدت داد. فعالیت فرهنگی شیعه در دوره‌های گذشته، آنها را از تعصبات دوران به سلامت عبور داده بود و اینک همان سبک فعالیت تبلیغی به وسیله دانشمندان شیعی و با یاری سیاستمداران شیعی راه یافته به دربار ادامه یافت. علما و دانشمندان شیعه‌مذهب با نفوذ در دربار ایلخانان، قابلیت‌های علمی خود را بروز دادند.

در دوره‌ای که به سبب تسامح مذهبی مغول، بازار مجادلات و مباحث مذهبی و علمی پر رونق بود، دانشمندان بزرگ امامیه با استفاده از توانمندی‌های خود در علوم زمانه همچون فقه،کلام و فلسفه، نظر سلاطین ایلخانی را به خود جلب کردند و موفق شدند با تکیه بر عنصر علم و دانش، ذائقه مذهبی ایلخانان متأخر را به نفع مذهب خود تغییر دهند. این تغییر نگرش سیاسی ایلخانان باعث نشد علما و سیاستمداران امامیه از تقریب خارج شوند و بازار تعصبات و انتقام‌گیری از سایر مذاهب اسلامی را دوباره برافروزند. با توجه به بافت فرهنگی شیعه که در نتیجه حاکمیت مغول ایجاد شد، شیعیان توانستند میراثی تاریخی و کلامی برای خود ایجاد کنند. در فرهنگ سیاسی این عصر، تشیع یک کارکرد فرهنگی غالب می‌یابد و باعث می‌شود شیعه، یک میراث کلامی ایجاد کند. درک چرایی و چگونگی جایگاه علم کلام و درک کارکردهای سیاسی و فرهنگی علم کلام امامیه در توسعه فرهنگ سیاسی شیعیان امامی در عصر ایلخانان،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

به‌ویژه شناخت میراث کلامی امامیه به عنوان مسئله تحقیق در چارچوب پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر مورد بررسی واقع می‌شود:

۱. کتاب‌های کلامی شیعه درکارکرد سیاسی امامیه، چه وجوهی دارند و نگاه شیعیان در این آثار نسبت به مشروعیت و عدم مشروعیت قدرت حاکم چیست و نگاه به حقانیت شیعه را چطور تفسیر کرده‌اند؟

۲. متکلمان امامیه، به جایگاه بزرگان امامیه چطور می‌پردازند و آیا کارکرد سیاسی را پررنگ می‌کنند یا کارکرد فرهنگی و اجتماعی را؟

۳. تفکر تقریبی و مسالمت‌آمیز شیعیان امامی در برخورد با اهل‌سنت و کارکردهای فکری و فرهنگی ایشان، در موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها چه آثاری داشت؟ موضع مخالفان شیعه چطور بوده است و چطور پاسخ می‌دهند؟

محوری‌ترین مفهوم در این مقاله واژه کارکرد است که در فارسی معادل‌هایی چون نقش، عمل، خدمت و شغل یافته و به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معیّن یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می‌نماید. کارکرد به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام، انجام می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۲: ۱۳۱). بنابراین، معنای کارکرد در منطق کارکردگرایی، اثر یا پیامدی است که یک پدیده در ثبات، بقا و انسجام نظام اجتماعی دارد. به بیان دیگر، کارکردگرایی، هر پدیده یا نهاد اجتماعی را از نظر روابط آن با تمامی هیئت جامعه ـ که آن پدیده یا نهاد جزئی از آن است ـ می‌شناسد.

آنچه در نوشتار پیش رو به عنوان کارکردهای فرهنگی و سیاسی علم کلام امامیه در ایران عهد ایلخانان به عنوان مفهومی بنیادین به کار رفته است، مشعر به همین زمینه مناسب و بهره‌گیری امامیه از نقش فرهنگی و سیاسی علم کلام برای نفوذ در سیاست و نزدیکی به ساختار قدرت است.

همچنین گزینش مفهوم فرهنگ دال بر کارکردهای توأم با برنامه و راهبردی امامیه برای نفوذ در دستگاه قدرت و تأثیرگذاری بر آن در جهت ایجاد صلح و ثبات در قلمرو اسلامی تحت استیلای ایلخانان و قوام بخشیدن به مناسبات جامعه و حکومت در گستره‌ای وسیع است که تمام رعایای مسلمان ـ اعم از شیعه و سنی ـ را دربر می‌گیرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

علم کلام و استفاده به موقع از آن، یکی از این کاربردهای راهبردی بوده است.

فـرهنگ سیاسی می‌تواند چگونگی توسعه سیاسی و اجتماعی جوامـع را نیـز تبیـین کند. توسعه سیاسی به عنوان یکی از ابعاد فهم توسعه هـمه‌جـانبه و پایـدار، مسـتلزم تحول در ساخت سیاسی و از سوی دیگر، مستلزم تحول در فرهنـگ سیاسـی اسـت. فرهنگ سیاسی، حاصل تعاملی دوجانبه میان هنجارها و ارزش‌های جـوامع و مـجموع کـمال مطلوب مردم در باب چگونگی کارکرد نظـام سیاسـی و خـواص آنـان از نظـام است. در حقیقت مجموعه باورها، خواسـت‌هـا، ارزش‌هـا و ایسـتارها در بـاب نظـام سیاسی، فرهنگ سیاسی ملت‌ها را پدید می‌آورد (خبیری، ۱۳۷۸: ۷۳).

در زمینه معرفی میراث کلامی شیعیان ایـران در دوره ایلخانـان، تـا کنـون پژوهشـی مستقل به زبان فارسی صورت نگرفته است، اگرچه پژوهش‌گرانی کـه در تـاریخ تشـیع این دوره تحقیق کرده‌اند به این مسئله اشاره‌هایی نموده‌اند؛ به عنوان نمونه، دکتر محمد سپهری، مصحح یکی از آثار کلامی این دوره یعنی *راحة الارواح و مونس الاشباح*، علـی صدرایی خویی، مصحح *کشکول* معمـار بغـدادی، رسـول جعفریـان و علیرضـا هـزار نویسنده مقاله‌ای درباره کتاب *غایة المـرام* تنها به تصحیح متن پرداخته‌اند یا نکاتی اندک درباره اهمیت و ضرورت موضوع بیان کرده‌اند.

رسول جعفریان در کتاب *تاریخ تشیع در ایران* مطالبی در این‌بـاره آورده اسـت، ولـی نمـای کلـی میـراث کلامـی شـیعه امامیـه را ترسـیم نمـی‌کنـد. در بعضـی مقـالات و پژوهش‌های مربوط به این دوره ـ مثل آثار مرحوم عباس اقبال و خانم بیانی ـ مطـالبی اندک و ناقص درباره آثار و متکلمان شیعه امامیه در این دوره تدوین شده و تعدادی از علمای متکلم شیعه معرفی گردیده‌اند. از این‌رو نمی‌توان به پژوهشی مستقل در موضوع میراث کلامی شیعیان ایران در دوره ایلخانان دست یافت.

با تکیه بر پیشینه پژوهش یادشده، پرداختن به این موضوع ضرورت خواهد یافـت و انجام چنین تحقیقی برای شناخت آثار دانشمندان علم کلام شیعه اثنـی‌عشـریه در دوره ایلخانان و چگونگی استفاده آنان از قدرت علم کـلام در فضـایی نـو متـأثر از تسـامح مغولان، فارغ از تعصبات مذهبی برای پژوهش‌گران امروزی لازم است.

در ایـن رهگذر، مقاله پیش رو با تکیه بر دو اثر مهم شیعیان این دوره ـ که به زبـان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

فارسی نوشته شده بود ـ تدوین شده است. این دو اثر یعنی *مسمار العقیدة* و *راحة الارواح و مونس الاشباح* در کنار کتاب‌هایی چون *تاریخ اولجایتو* اثر القاشانی، مهم‌ترین منابع تاریخی هم‌زمان با این دوران به شمار می‌روند که در کنار منابع متأخرتری چون مقالات علمی و پژوهشی و سایر منابع تاریخی از این دست، از جمله *سفرنامه ابن‌بطوطه* به سبب توجه بیشتر به کارکرد مسائل فرهنگی ـ اجتماعی در این‌باره راه‌گشا خواهد بود.

دستاوردهای کارکردی امامیه در عرصه علم کلام

علم کلام اسلامی که با معتزلیان نزدیک به تشیع و سپس شاگردان امام صادق علیه‌السلام و سرانجام فقهای پس از عصر غیبت، همچون شیخ مفید آغاز شد و سپس رو به رشد نهاد، به کارکردی اثرگذار برای تغییر سیاست دولت‌ها تبدیل گردید. کلام شیعه در ایران عصر ایلخانان با کمک دو نماینده برجسته اندیشه شیعه ـ یعنی نصیرالدین طوسی (م٦٧٢ق) و شاگردش علامه حلی (م٧٢٦ق) ـ ضمن کمک به تثبیت فرهنگ سیاسی شیعه در این دوره، خود به رشد و کمال رسید. نصیرالدین ـ که اخترشناس، فیلسوف، فقیه و متکلمی با دانش وسیع بود ـ آثاری در علم کلام نوشت که با وجود آثار بعدی علمای شیعه هنوز مورد استفاده‌اند. علامه حلی به تثبیت کلام شیعه و همچنین تحکیم فقه شیعه پرداخت که این دو علم ـ یعنی کلام و فقه ـ در توسعه تشیع در آینده سیاسی ایران، نقشی عظیم ایفا نمایند (بویل و همکاران، ١٣٨٥: ٥١٦). بی‌تردید تفوق علم کلام شیعی و تکامل آن به دست خواجه نصیرالدین طوسی، از جمله علل اصلی در پیدایش زمینه تغییر گرایش مذهبی ایلخانان به سمت اسلام و سپس تشیع بوده است. به حد کمال رسیدن استدلال‌های کلامی شیعیان در زمانی که منازعات کلامی بین فرق اسلامی در جریان بود، یکی از علل پیروزی متکلمان شیعه و نفوذ کلام آنان در دل ایلخانان به شمار می‌رفت.

خواجه نصیرالدین طوسی برجسته‌ترین متکلم سده هفتم هجری است. در این دوره علم کلام از طریق وی، تحت تأثیر گرایش‌های فلسفی قرار گرفت. شیعه تا پیش از آن دوره، دم از فلسفه نمی‌زد؛ زیرا به اسماعیلی‌گری متهم می‌شد. علمای شیعه تا این دوره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

به فقه و کلام بسنده می‌کردند تا این‌که علم کلام، از طرف خواجه نصیر تحت تأثیر گرایش‌های فلسفی قرار گرفت (الشیبی، ۱۳۵۹: ۹۱). در کتاب *تجرید الکلام* یا *تجرید الاعتقاد* برای نخستین‌بار فلسفه و علم کلام در تاریخ علوم اسلامی با هم آمیخته‌اند. در این کتاب، علاوه بر پرداختن به نقلیات و علوم دینی (مسائلی از فلسفه مانند متافیزیک و علم‌النفس)، به معرفت‌شناسی، اخلاق و حتی بسیاری از مسائل علم و طبیعت و بالأخره به سیاست نیز پرداخته شده است (طوسی، ١٤٠٧: ٢١٩– ٣٠٩). رساله فارسی *آغاز و انجام* خواجه که تلخیص و تعدیل کتاب *محصل* امام فخر رازی است، از دیگر آثارکلامی خواجه به شمار می‌رود. بر *تجرید الاعتقاد* چندین شرح نوشته شده است.

کتاب *نهج الحق و کشف الصدق* علامه حلی نیز کتابی در رد دعاوی سایر فرق اسلامی و اثبات مبانی اعتقادات شیعه است. کتاب *منهاج الکرامه* نیز با چنین رویکردی نوشته شده است (حلی، ۱۳۷۹: ۱۵۸–۱۸۸؛ اتینگهاوزن و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۵۳). آثار کلامی علامه حلی شامل *نهج المسترشدین*، *کشف المراد*، *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت*، *کشف الحق ونهج الصدق*، *منهاج الکرامة فی اثبات الامامه*، *الالفین الفارق بین الصدق و المین* هستند که در کتاب *الالفین*، هزار دلیل بر امامت امام علی علیه‌السلام و هزار دلیل بر ابطال شبهات مخالفان آمده است. کتاب *الباب الحادی العشر* که ۲۲ شرح برآن نوشته شده، از دیگر آثار کلامی علامه حلی به شمار می‌رود و در مجموع، ایشان ۲۸ اثر کلامی نگاشته است (نک: طباطبایی، ١٣٧٤: ٣٥، ٦٣، ٧٢، ٧٣، ٧٨، ٨٧، ١٣٠، ١٣٤، ١٣٧، ١٤١، ١٤٧، ١٦٤، ١٦٩، ٢٠٠، ٢٠٤).

خواجه نصیر و علامه حلی آثاری در کلام و فقه نوشته‌اند که اساس کلام و فقه شیعه در آینده و شاید حیات سیاسی شیعه و رشد آن در این دوره بوده‌اند. البته علم کلام امامیه در دوره ایلخانان، تنها به افراد یادشده متکی نبود و این علم، همگام با علوم نقلی پیش می‌رفت. افزون بر افراد پیش‌گفته، کمال الدین میثم بن علی بحرانی (م٦٩٩ق) از بلغاء، متکلمان و فضلای معروف طایفه امامیه در این عصر به شمار می‌رفت. او استاد علامه حلی بود و کتاب *شرح نهج البلاغه* را به نام خواجه عطاملک جوینی نگاشت (بحرانی، ١٤١٧: ج١، ٢٥، ٣٦). دیگرکتاب کلامی معروف وی، *قواعد المرام فی علم الکلام* است (همو: ٢٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

تفوق علم کلام شیعی، یکی از عوامل تأثیرگذار در موقعیت ایشان بود که درگرایش اولجایتو به مذهب تشیع، عاملی مهم به شمار می‌آید. پس از آن‌که در رقابت علمای مذاهب برای جلب و جذب مغولان به مذهب خود، رقابتی شدید درگرفت، علامه حلی و پسرش با جمعی از پیشوایان تشیع به سلطانیه رفت و ضمن تلاش برای علاقه‌مند کردن سلطان به مبانی مذهب تشیع، آثار کلامی خود را به وی تقدیم کرد. علامه حلی بحث سیاست را درآثار خود طرح کرده و در بحث‌های کلامی‌اش به تلفیق دیانت با سیاست پرداخته است.

منابع کلامی و میراث فکری امامیه به زبان فارسی

صرف‌نظر از رساله‌های *مسمار العقیدة* و *راحة الارواح* که بررسی جایگاه و ماهیت آنها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ـ کلامی امامیه موضوع این نوشتار است، آثار دیگری نیز به زبان فارسی تألیف شده و بخشی از میراث مذکور به شمار می‌روند. البته این آثار از ماهیت کلامی محض برخوردار نیستند، اما نظر به اهمیتی که دارند، تنها بدانها اشاره‌ای می‌شود.

از این جمله، ترجمه فارسی *عهدنامه مالک اشتر* است که حسین علوی آوی در سال ۷۳۰ق به انجام رسانده است.[1] به نظر می‌رسد *عهدنامه مالک اشتر* به عنوان کهن‌ترین

۱. عهدنامه مالک اشتر پیش‌تر در حکومت شیعی اسماعیلی فاطمیان مصر مورد توجه قرار گرفته بود (جعفریان، ۱۳۹۳: ۱۸). محتوای اصلی عهدنامه مالک اشتر، درباره ارتباط دوجانبه حکومت و مردم است و در صورت تداوم سیاست شیعی ایلخانی، می‌توانست در انتصاب کارگزاران ایلخانی و چگونگی مناسبات با مردم اثرگذار باشد. با توجه به این‌که متن عربی به وفور پیدا می‌شده است، ترجمه آن به فارسی، کاری اضطراری برای تدوین قواعد حکومت شیعی بر مردم با توجه به نیاز مردم و رعایای شیعی به شمار می‌آمده و در واقع پاسخ به نیاز مردم بوده است. اگرچه تاریخ ترجمه آن ۷۲۹ق است، اما کثرت وزرای شیعی در دربار ایلخانان موجب شده حسین بن محمد بن ابی‌الرضا حسینی آوی به این فکر بیفتد و کتاب را به وزیر دربار به نام «شرف الدوله تاج الاسلام علی فامنینی» تقدیم کند. مؤلف، هدف از تألیف کتاب خود را عمارت، ولایت و رعایت رعایا و جبایت خراج و ضبط ملک و تحصیل حقوق و اموال و قلع متمردان و قلع متغلبان و استیصال اعلای دین و دولت بیان می‌نماید (جعفریان، ۱۳۷۹: ٤٢٥). آوی این ترجمه را به عنوان منشور سیاسی، این‌چنین به وزرا معرفی می‌کند: «دستوری است ملوک و وزراء و ارباب تدبیر و اصحاب تقریر را، مستوعب سایر رسوم و آداب، از تذهیب اخلاق و تدبیر منازل و سیاست مدن و قانون منطبق بر نوامیس الهی، مانند امور عبادات و احکام و کیفیت عقود و ایقاعات و اقامت حدود و سیاسات بر مرتکبان جرایم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

سند سیاسی اسلامی ـ شیعی که اصبغ بن نباته ـ از اصحاب امام علی﵇ ـ آن را روایت کرده است، در پرتو گرایش‌های سیاسی و نیازهای شیعیان عصر ایلخانان ترجمه شده که برای دیدگاه‌های سیاسی و اعمال سیاسی شیعیان این عصر، منبعی معتبر فراهم آورد (آوی، ۱۳۵۹: ۵۰؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۷). *شرح دعای صنمی قریش* از یوسف بن حسین نصیر طوسی انداروادی، *نفایس الفنون فی عرایس العیون* تألیف محمد بن محمود آملی، مدرس مدرسه سلطانیه (جنیدی شیرازی، ۱۳۲۸: ٤٥٠؛ اقبال آشتیانی، ۱۳۸٤: ٥٢٥؛ جعفریان، ۱۳۹۳: ۷۵۳) و *تکلمة السعادات فی کیفیة العبادات المسنونات* تألیف شیخ ابوالمحاسن جرجانی به سال ۷۰۲ق (تهرانی، بی‌تا: ج٢٤، ٤١) از دیگر آثار فارسی به شمار می‌آیند.

۱. مسمار العقیدة

این کتاب در سال ۷۰۷ق به وسیله تاج‌الدین عبدالله بن معمار بغدادی تألیف شده است. وی در آن سال، پس از آن‌که در سفر خود به اصفهان به مناظره با قاضی نظام‌الدین ابواسحاق محمد بن اسحاق ملقب به «متزهّد» یا «مزهّد» می‌پردازد، رساله عربی *مسمارالعقیدة* را که حاصل آن مناظره بود، به عربی تألیف می‌کند. در بازگشت تاج‌الدین به بغداد، شیعیان اصفهان از پیشوای خود، قوام‌الدین ابوالفضل هبة الله بن محمد بن اصیل الدین عبدالله بن عبدالاعلی الاصفهانی، معروف به «ابن‌قطان»، ترجمه فارسی رساله یادشده را درخواست می‌کنند و او به ترجمه کتاب مبادرت می‌ورزد (بغدادی، ۱۳۷٤: ٨٦٥). ابن‌قطان، کتابی دیگر در اثبات مذهب تشیع و اثبات حقانیت امام علی﵇ دارد (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۷۸۳). وی کتاب *مسمارالعقیدة* را به فارسی ترجمه می‌کند و البته اضافاتی نیز بر آن می‌افزاید. عنوان عربی کتاب *مسبارالعقیده* بوده است که مترجم به جهت کمترین تغییر، آن را *مسمار العقیده* نامید. «مسبار» به معنای میل جراحی بوده است. رساله *مسمار العقیده* درباره اصول عقاید شیعی و برخی فروع عملی است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۳: ۸۷۸). تاج‌الدین معمار، کتب دیگری از جمله *الکشکول علی ماجرای لال الرسول* نیز دارد که آن را در سال ۷۵۳ق، در دفع فتنه‌ای که از سوی

و جنایت» (جعفریان، ۱۳۹۳: ٤٢٥).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

اهل‌سنت علیه شیعه برپاشده بود، به درخواست فخرالمحقیقن فرزند علامه به رشته تحریر درآورد (صدرایی خویی، ۱۳۸۸: ٤١٣). بر اساس برخی گزارش‌ها، قاضی نظام‌الدین که تاج‌الدین با وی به مناظره پرداخته است نیز دارای گرایش شیعی بوده و گزارش شده است که در یکی دو رباعی عربی، به تشیع خودش تصریح کرده است.

عزالدین عبدالعزیز بن ابی‌الغنائم کاشانی، از ادیبان و نویسندگان نیمه اول سده هشتم هجری، در اوایل کتاب *روضة الناظر و نزهة الخاطر* ـ که مجموعه‌ای موضوعی در اشعار فارسی و عربی است ـ شش بیت از قصیده نونیه قاضی در مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام را در کنار عنوان «قاضی نظام‌الدین اصفهانی» آورده است (ابن‌رسول، ١٣٨٦: ٣٣، ١٦٩). یکی از محققان معاصر نیز ضمن بیان ارتباط بین قاضی و جوینی‌ها، به شیعه بودن وی اشاره می‌کند (همو: ٦٦، ١٧٢)، اما معلوم نیست اگر وی شیعه مذهب بود، چه لزومی داشت با یک متکلم شیعی وارد مناظره شود؟ احتمالاً وی به سبب شافعی بودن یا داشتن اندیشه‌های تقریبی، اشعاری در مدح اهل‌بیت علیهم‌السلام گفته است. قاضی نظام الدین در بخشی از دوران سلطنت الجایتو، نفوذ فراوانی در دربار ایلخانی داشت و در برتری نسبی شافعیان در دستگاه ایلخانان موفق بود. البته پذیرش و رسمیت مذهب تشیع از سوی الجایتو ـ که در این میان، شخصیت علامه حلی و مناظره‌های وی با قاضی نظام‌الدین سهمی بسزا داشت ـ را نیز نباید از یاد برد. اگر مطابق گزارش منابع تاریخ‌نگاری، تشیع الجایتو را در سال ۷۰۹ق (کاشانی، ١٣٤٨: ٢٩) و تاریخ تألیف *مسبارالعقیده* را سال ۷۰۷ق بدانیم، باید گفت نظام‌الدین پیش‌تر در اصفهان باب مناظره با شیعیان شهر را آغاز کرده بود. مسافرت ابن‌معمار به اصفهان و گشودن باب مناظره با قاضی ذی‌نفوذ شهر و رئیس شافعیان اصفهان، با هدف دفاع از حقانیت شیعه و بهره‌گیری از زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اعتقادی موجود و تألیف *مسبارالعقیده* در همین ایام صورت گرفته است. ترجمه سریع *مسبار العقیده* توسط ابن‌قطان نیز به طور مشخص در همین فضا انجام شده است. بنابراین، نمی‌توان تألیف *مسبارالعقیده* یا ترجمه آن را مربوط به بعد از تشیع الجایتو دانست (نک: صدرایی خویی، ۱۳۸۷: ۱۹۵–۱۹٦)؛ مگر این‌که تاریخ تألیف کتاب یادشده را متأخرتر از سال ۷۰۷ق قلمداد کنیم.

بی‌تردید شخصیت علمی قاضی و مدارای وی که برخی منابع، از شیعه بودن او نیز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

یاد کرده‌اند در این تعامات علمی و کلامی سهمی مؤثر داشته است؛ اما از آن‌جا که قاضی، شخصیتی سرسخت داشته و در مقابل تشیع الجایتو سخت مقاومت کرده تا جایی که به اعزام لشکر به اصفهان منجر شده است (نک: همو: ۱۹٤ – ۱۹۵)، تلاش‌های ابن‌معمار و ابن‌قطان و مهم‌تر از همه، درخواست عمومی شیعیان شهر برای ترجمه فارسی *مسبارالعقیده* را باید حاکی از برتری گفتمان فرهنگی و کلامی امامیه در این عصر به شمار آورد. همین شرایط را باید در تألیف آثار واعظ بیهقی که در عهد حکومت‌داری سربداران می‌زیست و تحت حمایت ایشان آثار خود و از جمله *راحة الارواح* را به فارسی نوشت، لحاظ کرد. چنان‌که زمانهٔ حیات بیهقی، شرایط هموارتری برای فعالیت بیشتر امامیه در خود داشت و ماهیت شیعی حکومت سربداران، این شرایط را هموارتر می‌کرد.

۲. راحة الارواح و مونس الاشباح

کتاب *راحة الارواح و مونس الاشباح* تألیف ابوسعید (ابوعلی) حسن بن حسین واعظ بیهقی است که در پانزده باب نوشته شده و هر باب، خود به سه تا شش فصل تقسیم می‌شود و دربارهٔ چهارده معصوم به طور مفصل بحث کرده و به ذکر مناقب آنها پرداخته است. وی خود را حسن شیعی سبزواری می‌خواند که تا سال ۷۵۷ق، زنده بوده و از الطاف دربار سربداران نیز بهره‌مند شده است. شاید به همین سبب، آزادانه خود را شیعی معرفی می‌کند.

بیهقی سبزواری از شاگردان علامه حلی و فرزندش فخر المحققین است. وی اثر دیگری موسوم به *غایة المرام فی فضائل علی و اولاده الکرام* (بیهقی سبزواری، بی‌تا: ۱۳–۸۲؛ طهرانی، بی‌تا: ج۱٦، ۲۱، ج۲۱، ۹۰) را نیز به زبان فارسی تألیف کرده است.[۱]

۱. تأثیرپذیری مؤلف این کتاب، از متقدمانی چون فضل بن شاذان قمی، مؤلف کتاب *مئة منقبة من مناقب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب والائمة من ولده* علیهم‌السلام آشکار است (بیهقی سبزواری، بی‌تا: ۱۹). همچنین این کتاب بر متأخرانی چون سید هاشم بحرانی مؤلف *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام* اثر گذاشته است. محتوای کتاب *غایة المرام* تأکید بر بیان فضایل امام علی علیه‌السلام و فرزندانش و اثبات وصایت ایشان بر اساس احادیث و آیات قرآن است. در بیشتر روایات، مؤلف بدون این‌که نامی از مخالفان بیاورد یا به مخالفان توهینی روا دارد، به این موضوع می‌پردازد که هر کس در فضل اهل‌بیت شک کند، جایگاهش جهنم است (همو: ۷٤). سبک تألیف کتاب *غایة المرام* با *راحة الارواح* متفاوت است؛ اگرچه هردو به فضایل ائمه علیهم‌السلام ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

رهیافت‌های کارآمد در منابع کلامی امامیه

متکلمان امامیه در این عصر با بهره‌گیری از رهیافت‌های خاص خود، سعی در طرح دیدگاه‌ها، تثبیت موقعیت و پیشبرد اهداف خود داشتند. در این مبحث، با طرح مهم‌ترین این رهیافت‌ها، به تبیین جایگاه ایشان در فرهنگ سیاسی آن دوره می‌پردازیم. بدین منظور، نخست به رهیافت‌های غالب در هر یک از دو اثر *مسمار العقیده* و *راحة الارواح* اشاره می‌شود و سپس رهیافت‌های مشترک هر دو کتاب خواهیم پرداخت.

الف) مسمار العقیده

۱. مناظره

شیوه مؤلف کتاب *مسمار العقیده* و سایر علمای شیعه عصر ایلخانان در پاسخ به موضع‌گیری‌های مخالفان، استفاده از سنت مناظره بوده است. مناظره از دیرباز در فرهنگ سیاسی ائمه علیهم‌السلام وجود داشت. با تقویت کلام اسلامی و به اوج رسیدن علم کلام شیعی در پرتو تلاش افرادی مثل شیخ مفید و سپس خواجه نصیرالدین طوسی، و با توجه به فضای باز سیاسی در عصر مغول، استفاده از این روش در اولویت فعالیت‌های سیاسی شیعیان قرار گرفت. شرکت در مناظره‌ها می‌تواند به عنوان پایان عصر تقیه تلقی شود. کتاب *مسمار العقیده* حاصل یکی از مناظرات مهم شکل گرفته در این دوره است.

۲. مسافرت برای ترویج اندیشه‌های کلامی

مسافرت و قدرت رویارویی با مخالفان با اتکا به قدرت مناظره کلامی، از جمله

می‌پردازند، اما *غایة المرام* غلو کمتری دارد و بیشتر روایت‌ها از مصادر شیعه نقل شده‌اند. تأکید بر روایاتی که وصایت و خلافت امام علی علیه‌السلام را تأیید می‌کنند، ناشی از این موضوع بوده که احتمالاً در عصرایلخانان بر روی این مبحث اختلاف وجود داشته و مؤلف قصد داشته موضوع را به صورت ریشه‌ای بررسی و اثبات کند (بیهقی سبزواری، بی‌تا: ۲۷).

دیگر آثار واعظ بیهقی عبارت‌اند از: کتاب *بهجة المباهج فی تلخیص مباهج المهج فی مناهج الحجج* که خلاصه‌ای از کتاب شیخ ابوالحسن بیهقی نیشابوری مشهور به قطب‌الدین کیدری (م۵۷۶ق) به همراه افزوده‌هایی از واعظ بیهقی است. ترجمه *کشف الغمة* اربلی معروف، *غایة المرام فی فضائل علی بن ابی طالب و ذریة الکلام علیهم افضل السلام*، *مصابیح القلوب*، *المصباح المنیر فی فضائل النبی و اهل بیته* علیهم‌السلام (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: مقدمه، ۱۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

کارکردهای رایج فرهنگ سیاسی امامیه بوده است. تاج‌الدین بغدادی آن‌قدر به توان خود در این زمینه ایمان داشت که از بغداد به اصفهان آمد تا با استفاده از قدرت علم کلام شیعی، اعتقادات خود را به مخالفان اعلام کند و در ترویج فرهنگ سیاسی شیعه بکوشد. نکته دیگر این است که آنان شهرهایی را انتخاب می‌کردند که مردم و علمای آن شهرها، ضمن آن‌که سواد علمی بالایی داشتند، در مذهب خود به شدت متعصب بودند؛ زیرا اصفهان به همراه قزوین و شیراز، با وجود داشتن جمعیتی قابل توجه از شیعیان، از جمله شهرهای سنی‌نشین بودند که اندکی بعد با رسمی شدن تشیع در زمان الجایتو مخالفت کردند. قاضی نظام‌الدین ـ طرف مناظره ـ نیز فردی اندیشمند و دوزبانه بوده است (آوی، ۱۳۲۸: ۵۹). در دوره ایلخانان و دوره متقدم عباسی ـ که به عصر نهضت ترجمه مشهور است ـ به دیگر زبان‌ها نیز توجه می‌شد. قاضی، هم به فارسی و هم به عربی شعر می‌سرود. ظاهراً رجزخوانی‌های کلامی که در این عصر وجود داشت، باعث شد تاج‌الدین معمار از بغداد به اصفهان برود و در میدان واقعی مناظره به رویارویی با حریف قدر خود بپردازد. تاج‌الدین معمار در سال ۷۱۷ق نیز سفری مهم به مصر کرد تا با بزرگ‌ترین نماینده کلام اهل‌سنت یعنی ابن‌تیمیه (٦١٦ – ۷۲۸ق)، مناظره‌ای انجام دهد. شرح این مناظره نیز به کتابی موجز تبدیل شد.

۳. تأثیر اقلیم در شکل‌گیری تمدن‌ها

توجه به تأثیر اقلیم در شکل‌گیری تمدن در عین التفات به تفاوت‌های فردی و آنچه مشیت الهی است، از جمله وجوه کارکردی فرهنگ سیاسی شیعه امامیه در این عصر به شمار می‌رود. تاج‌الدین چنین می‌آورد:

> و هر اقلیمی را خاصیتی در شکل و اعتقاد و در تأثیر هست، اگرچه مذاهب ایشان متنوع باشد. بعد از آن به حقیقت حق تعالی به کمال علم خود ایشان را شعب و قبایل پدید کرد و شهرها و منزل‌ها بساختند و در هر شهر اقلیم و موضعی رئیسی پدید آورد. (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۸٤۳)

این مطلب شاید یکی از معدود اظهار نظرهای مؤلفان مسلمان و به‌خصوص شیعه در باب تأثیرگذاری جغرافیا و اقلیم در سیر تحول تمدن است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

ب) راحة الارواح و مونس الاشباح

۱. اثبات وصایت امام علی علیه‌السلام

مؤلف برای تأیید و اثبات وصایت امام علی علیه‌السلام حلقه اتصالی با تفکر پیش‌گویی‌های سایر ادیان مثل یهودیان و مسیحیان به وجود می‌آورد. در قسمتی از کتاب به مباحثی وارد می‌شود که تشابه زیادی با بحث پیش‌گویی کتاب‌های تورات و انجیل درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داشته و با ذکر معجزه‌ای از امام علی علیه‌السلام و بیان مکالمه راهبی با وی، بیان می‌کند که وصی بودن حضرت علی علیه‌السلام پیش‌تر در آیین مسیحیت به شکل غیرمستقیم و تحت عنوان آخرین وصی، پیش‌بینی شده است (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: ۹۷، ۲۱٤). همچنین استفاده از برخی مضامین داستان‌های تورات در بعضی حکایت‌ها، نشان از آزادی مذاهب در این دوره دارد؛ زیرا در این فضای آزاد سیاسی، ادیان می‌توانند بن‌مایه‌های فکری، ادبی، مذهبی و ... خود را با دیگر پیروان ادیان رد و بدل کنند. استفاده از بعضی داستان‌های بنی‌اسرائیل در این کتاب نشان از آن فضای باز سیاسی و تأثیر گرفتن نویسندگان از تفکرات سایر مذاهب دارد (همو: ۱٤۹). نویسنده قصد داشته تلفیق اندیشه‌های ایرانیت با اعتقادات خود را احتمالاً با نگاه به این موضوع که خوانندگان این اثر ایرانی هستند، پررنگ نشان دهد. وی در ذکر همسر و فرزندان امام حسین علیه‌السلام، شهربانو ـ دختر یزدگرد ـ را به عنوان همسر امام علیه‌السلام معرفی می‌کند و همین موضوع با تفصیل بیشتر درباره مادر امام سجاد علیه‌السلام آمده است (همو: ۱۵۷).

۲. اجتهاد

از دیگر کارکردهای مبتلابه در عصر ایلخانان نیز در انتخاب روایات کتاب *راحة‌الارواح* مورد توجه بوده است:

> روایت کرد ابوبصیر از صادق علیه‌السلام که فرمود: من و پدرم بیرون شدیم تا میان قبر و منبر شدیم. جماعتی را دیدم از شیعه، برایشان سلام کردیم. آن‌گاه گفت به خدای که بوی شما و ارواح شما دوست می‌دارم. اکنون مرا یاری دهید به ورع و اجتهاد و بدانید که به ولایت ما درنیابید، جز به عمل و اجتهاد، هرکه از شما به بنده‌ای اقتدا کند گو به عمل وی کار کند. شمایید شیعه خدا و شمایید انصار خدا و سبقت گیرندگان در دنیا به ولایت ما. (همو: ۱۸٦)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

۳. اصل تولّی و تبرّی

اهتمام به کارکرد دوستی اهل‌بیت علیهم‌السلام و برائت از بدخواهان ایشان، در کنار اصل اجتهاد به شدت مورد توجه نویسنده *راحة الارواح* است. البته کثرت توجه به این مقوله، این ذهنیت را به وجود می آورد که شاید نویسنده تحت تأثیر رویکرد خاص سربداران و شرایط عصر ایشان، به دنبال احیای اصل تولّی و تبرّی به شکل آشکار بوده است؛ چراکه در عهد ایلخانان به سبب اندیشه‌های تقریبی و شاید از جهت تقیه و تقریب، کمتر به طرح علنی این رویکرد می‌پرداختند؛ اما در این عصر صریح‌تر به طرح آن پرداخته شده است (همو: ۱۸۷، ۲۷۳).

٤. قلمرو سیاسی شیعه

مؤلف کتاب یادشده، به قلمرو سیاسی شیعه توجهی ویژه دارد و با توسل به احادیث و روایات، برای تبیین این مقوله می‌کوشد. به عنوان نمونه، در ذکر معجزات امام صادق علیه‌السلام، مراد از حوض کوثر را سیطره شیعه بر جغرافیای سیاسی بخشی از زمین می‌داند و به شکل ایهام و کنایه می‌آورد: «حوض کوثر حوضی است از بصری تا صفا» (همو: ۱۹۲). در جایی دیگر، طبق بیان معجزه امام صادق علیه‌السلام، دایره ولایت و سرزمین تحت ولایت امام را تا خراسان و ماوراءالنهر اعلام می‌کند (همو: ۱۹٦).

ج) رهیافت‌های مشترک

۱. اندیشه تقریب

مدارا و رویکرد تقریبی، از جمله ویژگی‌های آثار این دوره است. مؤلف *مسمار العقیده* در بیان مصداق‌های تاریخی که افضل بودن امام علی علیه‌السلام و در درجه بعد بودن سایر خلفا را ثابت می‌کند، توهینی روا نمی‌دارد و می‌نویسد:

> ... انفعال و احوال که در جاهلیت بر او گذشته آنها نمی‌گویم بدین مقدار اختصار می‌رود تا مردم هر امام مستحق العباده را بشناسد. (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۸۱۰)

بیهقی، محرک اصلی در تألیف کتاب *راحة الارواح و مونس الاشباح* را خواستهٔ امیر سربداران «خواجه یحیی کرابی» می‌داند و همان ابتدا از وی با جملاتی همچون «ملک داد پادشاه اعدل اعظم» (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: ۲۱) یاد می‌کند. این جملات نشان از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

آرمان‌های سیاسی صلح‌آمیز شیعی دارد. در کتاب‌های این دوره، خبری از منتقم یا کلماتی که نشان دهندهٔ خواسته‌ها و آرمان‌های جنگ‌طلبانهٔ شیعی باشد، دیده نمی‌شود. همچنین علت فارسی نوشتن کتاب ذکر نمی‌گردد.

۲. مشروعیت و مقبولیت

آیا کثرت آرا در فرهنگ سیاسی شیعه امامیه، نشان مقبولیت بوده است؟ نویسنده *مسمارالعقیده* با استناد به آیات قرآن مثل آیه۸۵ سوره اعراف ﴿وَ لا خَیْرَ فِی کَثیرٍ مِنْ نَجْوَاهُم﴾ و آیه۱۰۲ همین سوره، رأی اکثریت را باعث مشروعیت نمی‌داند. وی اگرچه به مقوله مقبولیت نمی‌پردازد، ولی مشروعیت را ارجح می‌داند و پس از استدلال به آیات فراوانی از قرآن، رأی اقلیت عالم را بر اکثریت فاقد علم ترجیح می‌دهد:

> پس اعتبار به اقل و اکثر تواتر نبوده و با بسیارتر و بیشتر از آنان که علم ندارند. (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۸۰٦)

۳. تفسیر حقانیت شیعه

شیوه کار در مناظرات کلامی میان شیعیان امامیه و سایر فرق اسلامی که در کتاب *مسمارالعقیده* رعایت شده، این است که متکلم با پرسیدن پرسش‌های پی در پی که برگرفته از منابعی چون قرآن حدیث و تاریخ اسلام است و بدون نام بردن از شخصی که می‌خواهد حقانیت او را زیر سؤال ببرد، با طرح بدیهیات قرآن، تاریخ و حدیث، به دنبال اثبات اعتقادات خود، به‌ویژه در حوزه امامت و مسائل سیاست امامیه و سرانجام، اثبات حقانیت امامیه است. نویسندهٔ *مسمار* پس از طرح پرسش‌های فراوان و پی در پی در پایان، ضمن آن‌که خواننده و طرف مقابل خود را با طرح مسائل متعدد به سوی هدف سیاسی خود سوق می‌دهد می‌پرسد:

> که بود که در اسلام پرده‌ها را برآویخت و طبل و بوق می‌زد و فعل پادشاهان به اظهار می‌رسانید و در پیغمبری و علم فقر و تقوا که کار معنی بر آن بود نه تقلب و سلطنت [ببست]؟ (همو: ۸۱۳)

تأکید بر لغاتی چون «وصی» و «وارث» در جای‌جای کتاب *راحة الارواح* برای اثبات حقانیت شیعه از دیگر ویژگی‌های آن به شمار می‌آید (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: ۱۰٦، ۲۰۰)؛ به‌خصوص استفاده از القاب وصی و وارث و اتصال آن به حدیث منزلت و پررنگ

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

شدن موضوع وصی بودن هارون در این کتاب، ستون استوار اندیشه مؤلف و شیعیان آن دوره است. این طرز تفکر در شیوه حکومتی سربداران نیز دیده می‌شود. استناد به حدیث غدیر در این آثار مشهود و یکی از راه‌های اثبات حقانیت امامیه بوده است (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۸۱۳). نویسنده این اثر سعی دارد مذاهب و فرق اسلامی را دست‌کم در بحث انتساب به علم امام علی علیه‌السلام به نقطه‌ای مشترک نزدیک کند:

> که بود که در سه کلمه علم نحو را بیان کرد و در خطبه‌ها تمامت علم اصول و کلام و حکمت بیان کرد و فصل خطاب و فصاحت جواب که از او روشن گشته است؟ و علم فقه را از شافعی و ابوحنفیه با که منتهی می‌شود و علم تفسیر از ابن‌عباس و ابن‌مسعود و جابر به که بازمی‌گردد؟ (همو: ۸۱٤)

٤. سقیفه

کتاب *راحة الارواح* دربارهٔ چهارده معصوم مفصل بحث می‌کند و به ذکر مناقب آنها پرداخته است. نکته مهم، پرداختن یک فصل کامل به جریان سقیفه است و این نشان از اهمیت سقیفه در شاکله سیاست شیعه امامیه دارد. چهار باب اول مربوط به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی علیه‌السلام و حوادث صدر اسلام است که باز هم از توجه نویسندگان شیعه‌مذهب به حوادث دوره زمانی از بعثت تا۳۵ق و تأثیر این حوادث بر فرهنگ سیاسی شیعه و سنی حکایت دارد. پرداختن به تفکر سیاسی شیعه امامیه و تثبیت آن در جامعه شیعی فارسی‌زبان، از جمله اهداف و کارکردهای سیاسی کتاب به شمار می‌آید. وی به تفصیل به جریان سقیفه پرداخته و حتی دربارهٔ اشارهٔ امام علی علیه‌السلام به غدیر نیز صحبت کرده است (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: ٦٥، ٦١، ٥٥). این موضوع نشان می‌دهد در آن دوره، جریان غدیر خم به عنوان یک اصل بدیهی، مورد پذیرش عام متکلمان اسلامی بوده است. مؤلف تأکید خود را بر عدد دوازده در بیان جریان مخالفت دوازده نفر از صحابه به خلافت ابوبکر و همراهی با امام علی علیه‌السلام آورده است (همو: ٥٦). بنابراین هر دو مؤلف به رخدادهای مهم تاریخی نزدیک به قبل و بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای اثبات ولایت امام علی علیه‌السلام تمسک جسته‌اند.

۵. پاسخ به تفکرات تکفیری

در کتاب *مسمار العقیده* در پرداختن به موارد اختلاف اهل‌سنت با شیعیان، شیوه طرح

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

مباحث به گونه‌ای است که سرانجام از بطن مباحث آن، نوعی اعتنای ویـژه مؤلـف بـه تفکرات سلفی و تکفیری درک می‌شود. برای مثال، به قاضی اعتراض می‌کند کـه شـما چطور برای کاردی که بر گلوی اسماعیل قرار بود فرو بیاید و نیامد، گریه می‌کنید، ولی اگر کسی برای امام حسین علیه‌السلام و یـارانش در روز عاشـورا اشـکی بریـزد بـا اعتـراض می‌گویید: «آه این رافضی است»؟ (ابن‌قطان، ١٣٧٤: ٨٦٣).

وی در باب اختلاف درباره مسـطح یـا برجسـته سـاختن قبـور کـه یکـی دیگـر از اشکالات وارده تکفیری‌ها به شیعیان است نیز چنین می‌نویسد:

> چرا ابوحنیفه گفته است که گورهای مرده مسطح نمی‌باید کرد، بل به خرپشـته تبدیل می‌باید داد؟ و پیغمبر فرمود که به خلاف یهود و نصارا گورها را مسطح گردانید. چون از فقها سؤال رود گویند: ما این را کردیم بـه خـلاف رافضـیان. (همو: ٨٥٨)

به ظاهر تفکرات ابن‌تیمیه در این منـاظره بـی‌تـأثیر نبـوده اسـت. البتـه روح حـاکم بر صفحات اولیه کتاب *راحـة الارواح*، تفکر اخباری‌گری است. با همین تفکر، بیهقی در پی اثبات افضل بودن امام علی علیه‌السلام و جدا بودن امتیـاز امامـت از نبـوت اسـت. در ایـن قسمت تأثیر تفکر صوفیانه سربداران نیز در متن کتـاب مشـهود اسـت (واعـظ بیهقـی، ١٣٧٨: ٢٢– ٢٨).

۶. پرداختن به جایگاه بزرگان امامیه

از دیگر وجوه اشتراک هر دو کتاب، توجه ویژه به بزرگان امامیـه و برجسـته کـردن بعضی فضایل آنان مثل علم است. آثار این دوره سعی دارند با تأکید بر علم امام علی علیه‌السلام و توانمندی‌های وی در فقه اسلامی، به اثبات برتـری آن حضـرت نسـبت بـه سـایرین بپردازند. مؤلف *مسمار العقیده* ضمن اثبات امامت در این منـاظره کـه بـدون هـیچ‌گونـه توهینی به طرف مقابل صورت می‌گیرد، به افضل بـودن علـی علیه‌السلام بـه‌خصـوص از نظـر علمی می‌پردازد. وی پرسش‌گری کرده و با سؤال‌های متعـدد خـود، ضـمن برشـمردن فضایل آن حضرت، به فضایل خلیفه اول نیز می‌پردازد، ولی با هنرمندی نشان مـی‌دهـد در قیاس با علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام وی مفضول است (ابن‌قطان، ١٣٧٤: ٧٩٩).

در فرهنگ سیاسی شیعه امامیه، جایگاه حضرت زهرا علیهاالسلام به سبب دفـاع تمـام قـد از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

بحث جانشینی امام و نظام امامت، بسیار رفیع است. مؤلف *مسمارالعقیده* تبعیض‌های صورت گرفته در حق ایشان را چنین زیر سؤال می‌برد:

> چگونه اموال پیغمبر را به ازواج ایشان می‌دادند و به زیادتی با ایشان مسامحت می‌کردند و آن‌چه پدرفاطمه داده بود بازمی‌گرفتند و او را از میراث منع می‌کردند؟ (همو: ٨٥٦)

تکیه بر قضاوت‌های علی‌ﷺ از دیگر ویژگی‌های کتاب *راحة الارواح* به شمار می‌رود (واعظ بیهقی، ۱۳۷۸: ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳). این توانمندی در علومی چون فقه، ضمن این‌که می‌تواند مشخصه بارز امام علی‌ﷺ به شمار آید، می‌تواند درباره فقیهی که باید نایب امام‌ﷺ در عصر غیبت باشد نیز صدق کند. بنابراین، آگاهی به فقه اسلامی شاخصه‌ای مهم برای تبیین زمامداری جامعه اسلامی در عصر غیبت قلمداد می‌شود. در عصر ایلخانان نیز فقهای بزرگی می‌زیستند که این توانمندی در آنان دیده می‌شد که بتوانند سیاست شیعیان عصر غیبت را ترویج کنند. تأکید بر علم فقه به عنوان یک اصل در اثبات برتری ائمه‌ﷺ در فضایل امام نهم‌ﷺ نیز آمده است (همو: ٢٤٠).

۷. اهتمام به کارکرد سیاسی یا فرهنگی ـ اجتماعی؟

کتاب *مسمار العقیده* ۱۲ فصل دارد که خود متضمن اشاره به ۱۲ امام‌ﷺ است. مؤلف در مقدمه، ایلخان اولجایتو را دارای جهانیان، پیشوای خسروان و شاه مسلمانان دانسته و با به کار بردن القاب شاهان باستانی ایران، سعی در تلفیق کارکردهای اندیشه‌های ایرانیت و اسلامیت داشته است (ابن‌قطان، ١٣٧٤: ٧٨٧). اشاره به کلیدواژهٔ سیاست و تلفیق آن با اصل امامت در آثار فارسی شیعی این عصر، یکی از نشانه‌های توجه به کارکرد سیاسی، در آثار کلامی امامی‌مذهبان به شمار می‌رود. در رساله *مسمار العقیده* آمده است:

> امت محتاج‌اند به امامی که بعد از پیغمبر ایشان را از عالم ملکوت بیاگاهاند و در عالم ملک سیاست و راستی فرماید یا نه؟ (همو: ٨٠٠)

تعریف امامت از دیدگاه تاج‌الدین معمار بغدادی، غلبه کارکردهای فرهنگی را در فرهنگ سیاسی شیعه امامیه نشان می‌دهد:

> امامت علم است و فهم و سیاست نه قهر و غلبه و هر که مودی به دشنام دادن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

باشد و لعنت کردن مسلمانان بر یکدیگر. (همو: ۸۰۸)

مهم‌ترین شیوه در توسعه فرهنگ سیاسی شیعه در این دوره، توجه به کارایی کارکردی مناظرات و سپس تألیف کتاب‌هایی است که ماحصل این مناظرات بوده‌اند. تاج‌الدین معمار، به دستور فخر المحققین ـ فرزند علامه حلی ـ کتاب *کشکول فی ماجری علی آل الرسول* را تألیف کرد که ظاهراً علت نوشتن آن، اقدامی فرهنگی در جهت تثبیت عقاید شیعی، پس از فتنه مذهبی سال ۷۳۵ ق بوده است (همو: ۷۸۱).

یکی دیگر از کارکردهای سیاسی این دوره، احیای اصول فرهنگ سیاسی امامیه با استفاده از منابع اصیل است. استفاده از استدلال‌های *نهج البلاغه* برای پاسخ دادن به رقیب، نشان‌گر این مطلب است که اصول اصلی فرهنگ سیاسی شیعه از منابع اصیل مثل قرآن و *نهج البلاغه* اخذ شده‌اند. برای مثال، با استفاده از بخشی از خطبه شقشقیه: «فصبرت فی الحق شجا و فی العین قذی و فی القلب اذی»[1] (همو: ۸٤۰) در پی اثبات استدلال خود و متقاعد کردن رقیب است. وی نمی‌خواهد امامت امام علی علیه‌السلام را به سبب داماد پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودن وی اثبات کند. از این‌رو می‌نویسد:

> و این معانی داعیان بنی‌امیه وضع کرده‌اند که فلان، دختر فلان را بخواست و فلان، زن فلان بود، پس خلافت بدو رسد و فلان، داماد فلان بود، پس خلافت قائم و مقام او باشد. (ابن‌قطان، ۱۳۷٤: ۸٤۱)

این رساله به دو موضوع توجه دارد؛ یکی این‌که با ترجمه آن به فارسی گامی بزرگ برای توجه به کارکرد مثبت استفاده از ویژگی‌های زبانی و نژادی مخاطبان مذهبی خود کرده است و دیگر این‌که سعی دارد با توجه به اعتقادات، برای نهادینه کردن فرهنگ شیعی در میان عامه مردم بکوشد. برخلاف دوره‌های قبلی احتمالاً توجه به زبان عربی کمتر شده بود؛ زیرا عموم مردم چنین خواسته‌ای داشتند:

> به اتفاق اشارت کردند که سؤالات را پارسی در میان رساله جمع کرده و آن بحث‌ها را پاک و منقح کرده ثبت گردانید. (همو: ۷۸۷)

۱. اصل خطبه چنین است: «فَصَبَرْتُ وَ فِی الْعَیْنِ قَذًی وَ فِی الْحَلْقِ شَجًا أَرَی تُرَاثِی نَهْباً» (صبحی صالح، بی‌تا: ۱۱، خ۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

احترام به قبور امام‌زادگان شیعه در آن دوره وجود داشت، به طوری که زیارت قبـور آنان، دارای رونق کامل بود (همو: ۸۳٤). مؤلف در مقایسـه خرابـی قبـور آل مـروان و بنی‌عباس با آبادانی قبور ائمه شیعه، نتیجه‌گیری کرده و می‌نویسد:

> مردم دانسته‌اند که آل عباس و بنی‌مروان و بنی‌امیه مَلک بوده‌اند و حکومـت و غلبه داشته‌اند. نه ائمهٔ ملکوت بوده‌اند و علم حکمت داشته‌اند و خلفای مردم و لذات بوده‌اند، نه خلفای حق و پیغامبر و آیات. و این تعظیم و تبجیل ائمهٔ دین و ره‌نمایان یقین بعد از اعراض ایشان به عنایت خداست یا نه؟ (همو: ۸۳۵)

بیهقی با ذکر حدیثی که سلمان، محـور شـیعیان مـدافع حـق ولایـت علـی‌علیه‌السلام قـرار می‌گیرد، قصد دارد نقش ایرانیت را در شکل‌گیری تشیع تقویت کند و در ادامـهٔ همـان حدیث، دفاع تمام قد امام علی‌علیه‌السلام از سلمان را دلیلـی بـر دوسـویه بـودن ایـن محبـت می‌داند (همو: ۷۱، ۵۸). شاید پررنگ کردن مباحث مربوط به سلمان، هدف مؤلف برای جذب خوانندهٔ فارسی‌زبان ایرانی بوده است. در بیان فضایل امام علی‌علیه‌السلام بـار دیگـر بـر نقش مثبت سلمان تأکید شده است. محبوبیت سلمان فارسی در نزد شیعیان ایران شاید دلیلی است که مؤلف کتاب تلاش کرده احادیثی که نقشی پررنگ برای سلمان قائل‌انـد را وارد کتاب خود کند (همو: ۹۰). این ترکیب هنرمندانهٔ شعوبی‌گری و شیعه‌گـری، در این اثر فارسی عصر ایلخانان دیده می‌شود. قدم‌های نخست برای بازیافتن هویت ایرانی با تکیه بر ایدئولوژی شیعی در این دوره آغاز شد و در عصر صفویه به بار نشست.

در حدیثی دیگر، به نقش پررنگ سلمان در احادیث مربوط به فضایل امـام علـی‌علیه‌السلام می‌پردازد و در آن سعی دارد نارضایتی سلمان را از وقایع پس از رحلت پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله بـه طور ضمنی نشان دهد (همو: ۹۱، ۱۱۸). همچنین است ارادت فضل بن یحیـی برمکـی به امام کاظم‌علیه‌السلام (همو: ۲۱۹). ویژگی کتاب، غلو در احوالات و معجزاتی اسـت کـه بـه ائمه‌علیهم‌السلام نسبت داده می‌شود. اگرچه کرامات بسیاری درباره ائمـه‌علیهم‌السلام نقـل شـده اسـت، ولی مؤلف، آن دسته از کرامات را انتخاب کرده که در آنها غلو به کار رفته (همـو: ۹۳) که شاید این سبک ادبیاتی در جذب مخاطب، اثرگذار بـوده اسـت. سـخن گفـتن امـام علی‌علیه‌السلام با شیر و بازگشتن آفتاب برای این‌که امام‌علیه‌السلام نماز قضا شدهٔ خـود را بـه موقـع بخواند، همگی نشان از غلبه تفکر غالیانه در این اثر دارد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

۸. استفاده نکردن از سبک کتاب النقض

ظاهراً در هر دو دورهٔ سلجوقیان و ایلخانان، آغاز مبارزه‌طلبی یا شروع مباحث که به مناظره کلامی یا تألیف کتاب منجر می‌شد، از طرف اهل‌سنت بوده است؛ زیرا تا شهاب‌الدین شافعی، کتاب *بعض الفضائح الروافض* را ننوشت، عبدالجلیل قزوینی *کتاب النقض* را ننگاشت. همین‌طور پس از این‌که قاضی نظام‌الدین، علمای کلام شیعی را به مبارزه کلامی طلبید، تاج‌الدین معمار از بغداد به سمت اصفهان حرکت کرد؛ اما در روش و اسلوب کار، تفاوت اساسی وجود دارد؛ زیرا در عصر سلجوقی، طرفین در قالب تألیف کتاب با یکدیگر به رقابت برمی‌خاستند، اما در دوره ایلخانی، پس از مناظرهٔ رو در رو به تألیف کتاب روی می‌آوردند. چنین برداشت می‌شود که ممکن است تعصبات مذهبی در دوره سلجوقیان مانع از مناظرات رو در رو بوده است، ولی با برداشته شدن این معضل در دوره ایلخانان و بالا رفتن صبر و تحمل پیروان فرق در نتیجهٔ آزادی‌های مذهبی این دوره، این تغییر حادث شده است.

شیوهٔ تألیف *مسمارالعقیده* چنین بود که تاج‌الدین معمار در سال ۷۰۷ق، پس از ورود به اصفهان، این کتاب را به صورت پرسش‌هایی تألیف کرد و از قاضی نظام‌الدین اصفهانی ـ رئیس شافعیان اصفهان ـ تقاضای پاسخ نمود (صدرایی خویی، ۱۳۸۸: ٤١٣). احترام به عقاید مخالف و تکریم شخصیت مخالفان، در کتاب *مسمار* مشهود است. مؤلف از قاضی نظام‌الدین با عنوان: «شیخ نامدار واعظ اهل این دیار، نظام‌الدین اسحاق مزهد» (ابن‌قطان، ١٣٧٤: ٧٨٧) یاد کرده است؛ در حالی که مؤلف *نقض* به‌رغم این‌که تقیه کرده، از شهاب‌الدین شافعی که نام کتاب خود را توهین‌آمیز انتخاب کرده بود، با این عبارت یاد می‌کند: «در اوّل کتاب این مجبّر ابتدا کرده است به بسم الله الرّحمن الرّحیم» (رازی، ۱۳۵۸: ۷).

برخلاف دوره سلجوقیان که هم شهاب‌الدین شافعی مؤلف کتاب *بعض الفضائح الروافض* به شیعیان توهین کرده بود و هم عبدالجلیل قزوینی رازی مؤلف *کتاب النقض* همین کار را نسبت به فرقه رقیب انجام داده بود، در این اثر، نگاه تقریبی و احترام متقابل دیده می‌شود.

مقایسه آثار کلامی این دوره با دوره‌های گذشته و به‌خصوص *نقض* عبدالجلیل

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

قزوینی رازی نشان می‌دهد اگرچه سبک و لحن مؤلف *کتاب النقض* در قیاس با مؤلف *بعض الفضائح الروافض* ـ که شیعیان هر شهر را با لقب‌هایی زشت نام می‌برد (همو: ٤٣٧، ٢٧٧، ٥٨٢، ٥٨٣، ٥٩٣) ـ آرام‌تر و مؤدبانه‌تر است. اما در کتاب *مسمارالعقیده* از توهین و دشنام خبری نیست و این امر نیز به سبب توسعه فرهنگی پیروان همه مذاهب است که نتیجه درس عبرت گرفتن از درگیری‌های قومی پیشامغول و هم نتیجه ایجاد فضای باز سیاسی در عصر ایلخانان بوده است. وی حتی قاضی نظام‌الدین را با لفظ «حضرت شیخ» خطاب می‌کند (ابن‌قطان، ١٣٧٤: ٨٥٩)، در حالی که در کتاب *نقض*، به‌رغم همه بردباری که عبدالجلیل از خود نشان داده، ولی با لفظ خوبی از شهاب‌الدین شافعی یاد نکرده است.

۹. بیان آزاداندیشانهٔ آرا و عقاید

به‌رغم این‌که نویسندهٔ *مسمار العقیده* باب مناظره را در پایان کتاب باز می‌گذارد، ولی از واکنش مخالفان خبری نیست. وی ضمن بری کردن خود از هرگونه تعصب می‌گوید:

> این سؤالات از مقام استفادت است نه امتحان و مکابره و از راه انصاف و محبت و نه غرض و عصبیت. (همو: ٨٦٥)

آن‌گاه از دیگران می‌خواهد در این فضای آزاداندیشی وی را از نظریات خود درباره کتابش آگاه کنند:

> و هر کس از دور و نزدیک و ترک و تازیک که جوابی دارد و داند و نویسد از عالم علم و عقل... (همو)

سپس در پایان سطور کتاب، به عهدی که شیعیان جرأت بیان نظریات خود را نداشته‌اند اشاره دارد و ممکن است منظور وی فقط اصفهان باشد یا مجموعاً همه دوران پیش ازحمله مغول را مد نظر دارد. وی خود و اجدادش را از کسانی می‌داند که در خفقان قبل و آزادی عصر ایلخانان همواره بدون ترس به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند:

> و آن در زمانی که مردم قوت و مکنت آن‌که اظهار امثال آن کنند نبوده، در سلک کلک استعارت کشیده... . (همو)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

وی در آخرین سطور کتاب خود، از سلطان مطلوب خود، سلطان محمد اولجایتو یاد کرده و می‌نویسد:

> و نیز چون مطاوعت پادشاه عادل و متابعت سلطان کامل به مطاوعت خدا و رسول پیوسته و او مقتدی به امامت علی بن ابی‌طالب و مشایعت حزب غالب یقین... ملحوظ‌اند و در کنف رعایت ﴿وَاللهُ غالِبٌ عَلَی أَمْرِهِ﴾ به حظ اوفر و قسط اوفی محفوظ افتد. (همو: ۸٦٦)

۱۰. کارآمدی رویکرد فرهنگی امامیه در کسب نفوذ سیاسی و اجتماعی

دیوید مورگان، تفوق شیعه بر سایر فرق اسلامی در این دوره را معلول کارآمدی و هنرمندی‌های خواجه نصیر در امور علمی، امورمالی، پیش‌گویی‌های علمی وی و در مجموع گستره وسیعی از دانش‌های فلسفی و سایر علوم وی می‌داند. از نظر وی، یک مورد از میراث مهم دولت ایلخانی برای ایران، استفاده از زبان فارسی بوده است که باعث پیروزی نهایی فارسی جدید بر عربی شد (مورگان، ۱۳۸۹: ۱۸۵). توجه شیعیان به تألیف آثاری به زبان فارسی نیز در راستای همین موضوع بود. ایلخانان برای ایران، میراثی مهم بر جای گذاشتند. تمدن آیندهٔ ایرانی که در دورهٔ صفویه شکل می‌گیرد، معلول فشارهایی بود که مغول در ابتدا بر ایرانیان وارد کرد و در نتیجه، اتحاد و همدلی ایرانیان برای احیای ایرانیت در قالبی نوین را به ارمغان آورد. در احیای این ایرانیت نوین، بیشتر از همه، دو گروه سهیم بودند؛ یکی طبقه دیوانسالاری ایران و دیگری روحانیت شیعی. آنان با تکیه بر علوم رایج عصر و نه تعصبات مذهبی، در جهت نفوذ هرچه بیشتر سیاسی و اجتماعی، در ارکان حکومت تلاش کردند و عملکردهای فرهنگی، تبلیغی و سیاسی خود را بر اساس کارکرد رویکرد مدارا با پیروان سایر فرق و مذاهب و کاملاً در جهت تقریب، به کار انداختند.

آنان فرهنگ اعتقادات شیعیان را تحت هر شرایطی زنده نگه می‌داشتند. مثلاً در حله، شیعیان در ارتباط با اعتقادات مذهبی و سیاسی خود و به‌ویژه ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه، مجامع مذهبی خود را ـ که قدمت آن به قرن ششم برمی‌گشت ـ در سامرا برگزار می‌کردند. حتی ابن‌بطوطه در قرن هشتم، محلی در حله دید که آن را زیارتگاه صاحب‌الزمان می‌نامیدند و انتظار ظهورش را از آن‌جا داشتند (ابن‌بطوطه، ۱۳۵۹: ج ۱،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

۱۳۲). مردم حله به علت در امان ماندن از کشتار مغولان، از بهبود اوضاع اقتصادی خود در راه رشد فرهنگ و ترقی دادن آن سود بردند. آنها در بغداد، کالاهای خوراکی خود را عرضه می‌کردند و از وجه آن، کتاب می‌خریدند. این نوع از آموزش و پرورش مذهبی در حله، همان کارکرد فرهنگی بود که از دوره آل بویه به بعد در اندیشهٔ شیعهٔ امامیه وجود داشت و به آن اهمیت داده می‌شد.

یکی از نویسندگان منسوب به خاندان آل‌طاووس، به نام جمال‌الدین احمد بن موسی (م۶۷۳ق) نیز بر خلاف خط مشی سیاسی شیعه امامیه در عصر ایلخانان ـ که مبتنی بر تقریب و نه تکفیر بود ـ در کتاب خود با استناد به آیات قرآن بر اهل‌سنت تاخت. وی با نام مستعار عبدالله بن اسماعیل، به تألیف کتاب خود اقدام کرد؛ اما علمای شیعهٔ امامیه و حتی آل‌طاووس وی را تأیید نکردند (الشیبی، ۱۳۵۹: ۱۰٤). اهتمام غازان در مقبره ساختن از مقابر ائمه اطهار علیهم‌السلام و فرهنگ ایرانی، دلیلی بر تأثیر و غلبه فرهنگ ایرانی ـ شیعی بر فرهنگ مغول است. به‌رغم این‌که بزرگان مغول را در مکانی دور و نامعلوم مدفون می‌کردند و از اطراف مزار آنان محافظت می‌شد، اما غازان این شیوه را پسندیده نمی‌دانست:

> روزی فرمود که کسی که بر این وجه مرده باشد [و] مشهد و مزار او بر این‌گونه بود، او را چگونه از مردگان توان شمرد؟ این مردن بهتر از زندگانی دیگران است.

وی به سبب همین تشبه به ایشان، برای خود مقبره‌ای ساخت (همدانی، ۱۳۷۳: ج۲، ۱۳۷۵). البته خواجه و علمای شیعه، تعصب مذهبی نداشتند؛ چنان‌که در حوزه علمی مراغه، عالمان زیادی از اهل‌سنت رفت و آمد داشتند و در بحث‌های علمی مشارکت می‌کردند. با توجه به این‌که دیدگاه‌های امام محمد غزالی و صوفیان و همچنین تفکر غالب در ساختار آموزشی نظامیه‌ها به رکود فلسفه در تفکر اسلامی منجر شده بود، خواجه نصیر به‌رغم اکثریت فقها ـ که مانع رشد فلسفه بودند و حتی افرادی مثل خیام با اشعار خود و امام المشککین فخرالدین عمر رازی متکلم سنی اشعری‌مذهب و حتی سهروردی ـ فلسفه را مخالف شریعت اسلام می‌دانست. وی به کمک شخصیت بزرگی چون علامه حلی، یک محور مقاومت کلامی و فلسفی تشکیل داد و با مسلح کردن

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

تفکر اعتقادی شیعه به فلسفه و کلام تفکر اسلامی را از انحطاط کامل نجات داد.

به طور کلی مذاهب مختلف در گستره جغرافیایی ایران عصر ایلخانان، با استفاده از فرصتی که به دست آمده بود، به مجادلات مذهبی پرداختند. این مجادلات بر خلاف دوره‌های قبلی ـ که به حذف فیزیکی طرف مقابل می‌انجامید ـ بیشتر فرهنگی بود و نظریات فقهی، کلامی و سیاسی مذاهب مختلف اسلامی عرضه می‌شد. کمتر دوره‌ای در تاریخ اسلام شاهد این هم‌زیستی عقاید، نظریات، آزادی بیان و تسامح دوجانبه بوده است. شیعه اثنی‌عشری در این دوره به سبب وجود نخبگان فقهی، کلامی و سیاسی خود، حوزه تبلیغی خود را ارتقا بخشید. در دوره‌های پیشین، شیعیان امامی بر روی تودهٔ مردم تمرکز می‌کردند. آنان با تربیت نخبگانی از بین تودهٔ مردم در قالب دبیران، مستوفیان و وزرا به دربار می‌فرستادند. اما در این دوره سطح فعالیت، افزون بر تودهٔ مردم، طبقات بالای درباری و جامعه شهری را نیز شامل شد و دربار ایلخانان نیز تحت تأثیر این مباحثات قرار گرفت. شاید تعصب نداشتن مغول در بدو برخورد با فِرقی که هفتصد سال با یکدیگر مناقشاتی سخت داشتند، موجب شد آنها ذهن خود را درگیر این مباحثات نکنند. اما اندک‌اندک پای آنان نیز به این مجادلات مذهبی باز شد؛ زیرا حکومت بر طبقات مختلف مردم در درازمدت، نیازمند شناخت عمیق نسبت به اعتقادات آنان و همچنین هم‌رأیی و همدلی با آنان است. سرانجام با درگیر شدن ذهن آنها و ورود به این مباحثات، قدرت کلام علمای برجسته شیعه، سبب جذب دربار و بزرگان مغول به تشیع شد.

نتیجه‌گیری

۱. کتاب‌های کلامی شیعه در این دوره با توجه به فضای تسامح ایجاد شده در دورهٔ ایلخانان، به نحو چشم‌گیری افزایش یافتند. وجه غالب در این کتاب‌ها نهادینه کردن کارکرد فرهنگ سیاسی شیعهٔ امامیه با تکیه بر زبان فارسی بود. نگاه شیعیان در این آثار تأیید مشروعیت ایلخانان با توجه به گرایش‌های شیعی آنان و در حوزه صدر اسلام تلفیق اندیشه‌های شیعی با اندیشه‌های ایران شهری بوده است. آنان قصد دارند حقانیت شیعه را بر اساس منابع اصیلی مثل قرآن، *نهج البلاغه* و احادیث مأخوذ از کتب حدیثی در نزد فارسی‌زبانان شیعه و سنی، اثبات کنند و احتمالاً توجه ایلخانان را به این موضوع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

جلب نمایند.

۲. متکلمان امامیه، جایگاه بزرگان امامیه را با نقل فضایل آنان نشان می‌دهند و بیشتر بر نشان دادن کارکردهای مثبت جایگاه علمی آنان تأکید می‌کنند و آگاهی امامان شیعه در علم فقه را نشانه‌ای بر افضل بودن آنان می‌دانند. در این آثار، با تأکید زیاد بر اصل امامت و وصایت امام علی‌علیه‌السلام به پررنگ کردن کارکرد سیاسی اهتمام می‌ورزند و در عین حال، با پرداختن به مباحث علمی و خصوصاً توانمندی‌های علمی ائمه‌علیهم‌السلام در کنار مباحث سیاسی به برجسته کردن کارکرد فرهنگی و اجتماعی می‌پردازند.

۳. کارکرد وحدت با تفکر تقریبی و مسالمت‌آمیز شیعیان امامی در برخورد با اهل‌سنت در این آثار دیده می‌شود و بر خلاف آثار کلامی دوره‌های قبل، خبری از تعصب و توهین نیست. از موضع مخالفان شیعه در ایران، خبر چندانی در دست نیست؛ در حالی که مؤلفان آثار کلامی، باب مناظره را باز گذاشته‌اند، ولی به‌جز ابن‌تیمیه ـ که او نیز خارج از ایران به سر می‌برد ـ به این مناظرات پاسخی داده نمی‌شود. همان‌طور که تشیع اثنی‌عشری در دوره‌های آل بویه و سلجوقیان در مرکز ایران با رویکرد فرهنگی و با تأکید بر کارکرد فعالیت فکری و اندیشه‌ای رشد کرد و به فعالیت خود ادامه داد و توانست در گسترش تشیع و ماندگاری آن نقش آشکاری داشته باشد، در دوره ایلخانان نیز رویکرد فرهنگی را با هدف حفظ مواریث تمدن اسلامی ـ ایرانی و وارد شدن در فعالیت‌های سیاسی انتخاب کرد و ادامه داد. کارکردهای فکری و فرهنگی ایشان، در بهبود موقعیت سیاسی و اجتماعی امامیه، اثری مثبت داشت. دانشمندان علم کلام شیعی با استفاده از قدرت علمی خود به شکل نرم بر ارکان سیاست ایلخانی مسلط شدند، ولی هیچ‌گاه در زمان قدرت‌گیری به حذف رقبا و سخت‌گیری بر سایر مذاهب اسلامی نپرداختند و حتی به دیدگاه‌های تقریب‌گرایانه ـ که از طرف اهل‌سنت و تصوف اعلام می‌شد ـ نگاهی مثبت داشتند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

منابع

ـ آوی، حسین بن محمد بن ابی‌الرضا (۱۳۲۸ش)، *ترجمه محاسن اصفهان*، تصحیح: عباس اقبال، تهران، بی‌نا.

ـ ـــــــــــــــــــــــــ (۱۳۵۹ش)، *فرمان مالک اشتر*، به کوشش: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، بنیاد نهج البلاغه.

ـ ابن‌بطوطه (۱۳۵۹ش)، *سفرنامه*، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.

ـ ابن‌رسول، سید محمدرضا (۱۳۸٦ش)، «نظام‌الدین اصفهانی در آینه مصادر عصری و متأخر»، مجله *آینه میراث*، شماره ۳۹.

ـ ابن‌قطان، هبة الله بن محمد اصیل (۱۳۷٤ش)، «مسمار العقیدة» (ترجمه‌ای از اثر عربی تاج‌الدین عبدالله بن معمار بغدادی)، *میراث اسلامی ایران* (دفتر دوم)، به کوشش: رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ـ اتینگهاوزن و همکاران (۱۳۸۳ش)، *ایلخانیان*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، مولی.

ـ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸٤ش)، *تاریخ مغول*، تهران، امیر کبیر، چاپ هشتم.

ـ بحرانی، ابن‌میثم (۱٤۱۷ق)، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه: محمدی مقدم و نوایی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.

ـ بغدادی، عبدالله بن معمار (۱۳۷٤ش)، «مسمار العقیدة»، تحقیق: علی صدرایی‌نیا، *میراث اسلامی ایران* (دفتر دوم)، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

ـ بویل، ج. آ و همکاران (۱۳۸۵ش)، *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، ترجمه: حسن انوشه، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

ـ بیهقی سبزواری شیعی، حسن بن حسین (بی‌تا)، «غایة المرام فی فضائل علی و اولاده الکرام علیهم‌السلام»، تصحیح: علی‌رضا هزار، مجله *میراث حدیث شیعه*، دفتر ششم.

ـ جعفریان، رسول (۱۳۷۹ش)، «استناد به سیره سیاسی علوی در گذر تاریخ»، *حکومت اسلامی*، شماره ۱۸.

ـ ـــــــــــــــ (۱۳۹۳ش)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

تهران، نشر علم، چاپ ششم.
ـ جنیدی شیرازی، معین‌الدین ابوالقاسم (۱۳۲۸ش)، *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*، تهران، چاپخانه مجلس.
ـ حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹ش)، *منهاج الکرامة فی معرفة الامامة*، تصحیح: عبدالرحیم مبارک، مشهد، مؤسسة عاشوراء للتحقیقات و بحوث الاسلامیة.
ـ خبیری، کابک (۱۳۷۸ش)، «فرهنگ سیاسی؛ مقایسه دو سطح تحلیل داخلی و بین‌المللی»، *راهبرد*، شماره ۱۷.
ـ رازی، عبدالجلیل قزوینی (۱۳۵۸ش)، *النقض*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
ـ ریتزر، جورج (۱۳۸۲ش)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ هفتم.
ـ الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۵۹ش)، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ترجمه: علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
ـ صبحی صالح (بی‌تا)، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد بهشتی، تهران، انتشارات شهریور و تابان.
ـ صدرایی خویی، علی (۱۳۸۸ش)، «ابن‌معمار بغدادی و کتاب الکشکول الی ماجری آل الرسول»، *پیام بهارستان*، دوره دوم، شماره۵.
ـ ــــــــــــــ (۱۳۹۰ش)، «مسمارالعقیدة؛ مناظره ابن‌معمار و قاضی نظام‌الدین اصفهانی»، *مجموعه مقالات همایش پیشینه تشیع در اصفهان*، به کوشش: محمدعلی چلونگر و احمد زمانی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
ـ طباطبایی، عبدالعزیز (۱۳۷٤ش)، *مکتبة العلامة الحلی*، قم، مؤسسة آل البیت لاحیاء التراث.
ـ طوسی، نصیرالدین محمد بن محمد (۱٤۰۷ق)، *تجرید الاعتقاد*، تحقیق: حسینی جلالی، بی‌جا، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
ـ طهرانی، شیخ آقابزرگ (بی‌تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، بیروت، دارالاضواء.
ـ کاشانی، ابوالقاسم (۱۳٤۸ش)، *تاریخ الجایتو*، به اهتمام: مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتب.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]

ـ مدرسی طباطبایی (۱۳۵۳ش)، «چند اثر نویافته در مناظرات کلامی شیعی»، مجله *وحید*، شماره ۱۳٤.
ـ مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰ش)، *مسائل عصر ایلخانان*، تهران، نشر آگاه، چاپ دوم.
ـ مزاوی، میشل (۱۳٦۳ش)، *پیدایش دولت صفوی*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
ـ مورگان، دیوید (۱۳۸۹ش)، *مغول‌ها*، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
ـ واعظ بیهقی، ابوسعید حسن بن حسین (۱۳۷۸ش)، *راحة الارواح و مونس الاشباح*، به کوشش: محمد سپهری، تهران، میراث مکتوب، چاپ دوم.
ـ ـــــــــــــــــــــــــــ (بی‌تا)، «غایة المرام فی فضائل علی و اولاده الکرام علیهم‌السلام»، تصحیح: علی‌رضا هزار، مجله *میراث حدیث شیعه*، دفتر ششم.
ـ همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳ش)، *جامع التواریخ*، تصحیح و تحشیه: محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1395.1.21.4.2]